

# چرا صنایع فرهنگی و خلاق برای دولت‌ها جذابیت دارند؟

شب‌نم لشگری، پژوهشگر اندیشکده حرف



پارادایم مرکزی رشد اقتصادی که بر اندازه‌گیری دستاوردهای مادی تمرکز داشت، به مفاهیم گسترده‌تر توسعه انسان محور تغییر یافت که بر جنبه‌هایی مانند وضعیت سلامت، سطح سواد و دسترسی به آموزش تأکید می‌کرد. این تغییر با گزارش‌های توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد، که در سال ۱۹۹۱ توسط «آمارتیا سن» اقتصاددان منتشر شد، تسریع شد. این گزارش، توسعه را به عنوان «گسترش قابلیت‌های انسانی» توصیف کرد. پس از آن، نقش فرهنگ در تفکر سیاست توسعه توسط کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه در سال ۱۹۹۵ مورد توجه قرار گرفت. کمیسیون به ابعاد فرهنگی پارادایم توسعه انسان محور اشاره کرد و پیشنهاد کرد «فرهنگ» در مرکز پارادایم توسعه انسان محور قرار گیرد. یونسکو نیز در گزارش‌های فرهنگ جهانی خود در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ به این موضوع پرداخت. بر اساس گزارش‌های یونسکو، مفهوم صنایع فرهنگی و خلاق رویکرد جدیدی را برای سیاست‌گذاری فرهنگی ارائه می‌کرد؛ مشخص شد که فعالیت افراد خلاق و هنرمندان پتانسیل قابل توجهی برای تولید سرمایه‌های فرهنگی ملموس و غیرملموس در جامعه دارند. همچنین مشخص شد که اقتصادهای ملی می‌توانند کالاها و خدمات خلاقانه‌ای برای بازارهای داخلی و بین‌المللی تولید کنند. این رویکرد نسبت به صنایع فرهنگی و خلاق، نقش فرهنگ را در توسعه اقتصادی تفسیر می‌کند و برای صنایع فرهنگی و خلاق این امکان را به وجود می‌آورد که به عنوان یکی از نیروهای محرک توسعه اقتصادی به رسمیت شناخته شود. به این معنی که صنایع فرهنگی و خلاق و توسعه اقتصادی به هم مرتبط هستند.

صنایع فرهنگی و خلاق می‌توانند با پارادایم توسعه پایدار برای تدوین سیاست در کشورهای در حال توسعه سازگار باشند. این صنایع ابعاد اقتصادی و فرهنگی توسعه را در چارچوب سیاست کل‌نگرگرد هم می‌آورند. مفهوم «توسعه پایدار» به توسعه‌ای اشاره دارد که نیازهای حال حاضر را بدون وجه‌المصلحه قرار دادن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای خود تأمین می‌کند. کنوانسیون تنوع فرهنگی ادغام فرهنگ در فرایند توسعه را تصدیق کرده است. این موضوع در دو بخش مهم از این کنوانسیون یعنی، بند ششم از ماده ۲ در مورد اصل توسعه پایدار و ماده ۱۳ در مورد ادغام فرهنگ در توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است. با انطباق این اصول برای تعریف توسعه پایدار فرهنگی، می‌توان سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نزدیک به هم را بر اساس رویکرد کل‌نگر شناسایی کرد و ارتباط بین توسعه اقتصادی و فرهنگی را تشخیص داد. بهترین راه برای معرفی فرهنگ در دستور کار سیاست توسعه، نشان دادن چگونگی نقش صنایع فرهنگی و خلاق در توسعه پایدار به‌واسطه ایفای نقش در تولید، اشاعه، مشارکت و مصرف فرهنگی در رشد اقتصادی، غنی‌سازی فرهنگی و انسجام اجتماعی است. البته چنین رویکردی به آن معنا نیست که اهداف اقتصادی باید اهداف فرهنگی را کنار بگذارند. چراکه، دستیابی به پایداری در توسعه صنایع فرهنگی و خلاق مستلزم تقویت فعالیت‌های هنری و فرهنگی و پایه‌ای است که صنایع گسترده‌تر بر آن بنا می‌شوند. شناخت پتانسیل اقتصادی صنایع فرهنگی و خلاق راهکاری عملی در راستای توسعه اقتصادی گسترده‌تر فراهم می‌کند. یکی از عناصر اساسی سیاست توسعه پایدار فرهنگی، توجه به سرمایه‌گذاری بلندمدت در زیرساخت‌ها، از جمله زیرساخت‌های فیزیکی برای حمایت از تولید، توزیع و مصرف فرهنگی است.

بنابراین می‌توان گفت با تغییر رویکرد توسعه، از الگوی سنتی به مدرن، عناصر پایداری و فرهنگ به عنوان محورهای اساسی توسعه مطرح شدند. در این راستا، درک عمومی نسبت به اهمیت مسائل فرهنگی و صنایع خلاق در چارچوب توسعه پایدار جهانی ارتقا یافت و نهادهای بین‌المللی ابتکارات گوناگونی را در این عرصه به اجرا گذاشتند. سازمان ملل متحد بر اهمیت اقتصاد خلاق تأکید کرد، زیرا این حوزه در تحقق اهداف متعددی از جمله کاهش فقر، تساوی جنسیتی، رشد اقتصادی، اشتغال، ترویج نوآوری، ایجاد جوامع مسالمت‌آمیز و فراگیر و تقویت همکاری‌های جهانی برای نیل به اهداف توسعه پایدار نقش به‌سزایی دارد. این نوشتار به بررسی تأثیر صنایع فرهنگی و خلاق بر توسعه پایدار از سه منظر اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی می‌پردازد. علاوه بر این، سیاست‌ها و برنامه‌های چند کشور مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

## ۱- تأثیر اقتصادی صنایع فرهنگی و خلاق

اقتصاد خلاق به عنوان یک بخش نوظهور و پویا در اقتصاد جهانی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند. این صنایع به‌طور چشمگیری در تولید ناخالص داخلی، ایجاد اشتغال و کاهش فقر موثر بوده‌اند. به‌طوری‌که فرهنگ و خلاقیت ۳/۱ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی (GDP) و ۶/۱ درصد از کل اشتغال و نزدیک به ۵۰

میلیون شغل تاکنون در سراسر جهان ایجاد کرده است. همچنین اقتصاد خلاق به دلیل ماهیت نوآورانه و انعطاف‌پذیر خود، در مواجهه با بحران‌های مالی سال ۲۰۰۸، علی‌رغم انقباض ۱۲ درصدی در تجارت جهانی، به رشد خود ادامه دادند. در بحران کووید-۱۹ نیز صادرات این صنایع تنها ۱/۸ درصد کاهش داشت، در صورتی که شاهد کاهش ۲۰ درصدی صادرات سایر حوزه‌های خدماتی بودیم.

## ۱-۱- صنایع فرهنگی و خلاق برای زنان و جوانان

صنایع فرهنگی و خلاق به عنوان راهکاری امیدبخش برای مقابله با مشکلات فزاینده بازار کار، به ویژه برای جوانان و اقشار آسیب‌پذیر، مطرح شده‌اند. این صنایع نقش مهمی در ایجاد رشد اقتصادی فراگیرتر<sup>۱</sup> و افزایش مشارکت زنان و جوانان، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد نسبت جوانان شاغل در حوزه فرهنگی بیشتر از سایر بخش‌ها است. در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط به پایین، افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله حدود ۲۵ درصد کل اشتغال در بخش فرهنگ را تشکیل می‌دهند. همچنین بخش فرهنگی و خلاق باعث ایجاد اشتغال برای افراد با تحصیلات کمتر از دبیرستان می‌شود، جمعیتی که اغلب در برابر بی‌ثباتی شغلی آسیب‌پذیرتر هستند. در کشورهای کم‌درآمد، افرادی که تحصیلات متوسطه را به پایان نرسانده‌اند، ۲۷/۳ درصد از افراد شاغل در مشاغل فرهنگی و ۱۵ درصد از شاغلان در صنایع خلاق را تشکیل می‌دهند. همچنین، آخرین آمارها نشان می‌دهد حدود ۴۸/۱ درصد از مشاغل در حوزه فرهنگ و سرگرمی در سراسر جهان توسط زنان انجام می‌شود. صنایع و مشاغل خلاق، بخش‌های متنوعی را شامل می‌شوند و مهارت‌ها و استعدادهای گوناگونی را به کار می‌گیرند. بنابراین پتانسیل این صنایع در گستردگی قابلیت‌ها و همکاری‌های بالقوه‌ای نهفته است که می‌توانند به‌طور مؤثری در حوزه‌هایی مانند فیلم، مد، بازی‌های ویدیویی، موسیقی و هنر به کار گرفته شوند. همچنین به‌طور گسترده‌تر، افراد با زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و تحصیلی متنوع می‌توانند در اقتصاد خلاق مشغول به کار شوند. بنابراین، به رسمیت شناختن فرصت‌های شغلی استفاده نشده برای گروه‌های آسیب‌پذیر و عمدتاً کم‌کار، حتی در زمان آشفتگی‌های کلان اقتصادی، برای رفاه و رشد اقتصادی بسیار مهم است. در بریتانیا که در حوزه اقتصاد خلاق پیشرو است، در سال ۲۰۲۳ حدود ۲ میلیون و ۴۱۹ هزار نفر به صورت تمام وقت در صنایع خلاق مشغول به کار بودند که نسبت به سال ۲۰۱۹ رشد ۱۵ درصدی داشته است. سایر کشورها نیز با توجه به ظرفیت صنایع فرهنگی و خلاق در کاهش بیکاری خصوصاً در میان زنان و جوانان، توسعه این صنایع را در اهداف راهبردی خود گنجانده‌اند.

۱ رشد فراگیر، فرصت‌های برابر برای مشارکت‌کنندگان در رشد اقتصادی ایجاد می‌کند، به‌گونه‌ای که تمام بخش‌های جامعه در ایجاد رشد مشارکت دارند و از رشد منتفع می‌شوند.

## ۱-۱-۱- عربستان سعودی چه برنامه‌ای دارد؟

عربستان سعودی در اهداف چشم انداز ۲۰۳۰ خود، توجه ویژه‌ای به حوزه فرهنگ و اشتغال جوانان معطوف کرده است. این کشور با چالش بیکاری جوانان مواجه است، بیکاری زنان در این کشور شدت بیشتری نیز دارد. در سال‌های اخیر، عربستان سرمایه‌گذاری قابل توجهی در توسعه فرهنگی انجام داده است تا با تمرکز بر صنایع خلاق، گام‌هایی برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود بردارد. اهداف کلیدی عربستان در این راستا افزایش سهم تولید ناخالص داخلی این بخش به ۳ درصد و کسب درآمد ۲۰ میلیارد دلاری و ایجاد بیش از ۱۰۰ هزار فرصت شغلی تا سال ۲۰۳۰ است. این استراتژی نشان‌دهنده تلاش عربستان برای استفاده از پتانسیل صنایع خلاق در جهت رشد اقتصادی و حل مشکل بیکاری جوانان است. دولت عربستان برای دستیابی به این اهداف، در حال سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و طرح‌هایی است که از رشد صنعت حمایت می‌کند. این شامل ایجاد مراکز خلاق جدید، ارائه برنامه‌های آموزشی و توسعه‌ای و ایجاد مشارکت‌های دولتی و خصوصی جدید است. وزارت فرهنگ عربستان اعلام کرده است که چشم‌انداز تدوین شده برای کشور مستلزم شکوفایی هنر و فرهنگ در سراسر عربستان سعودی است که زندگی را غنی می‌کند، هویت ملی را گرامی می‌دارد و بین مردم تفاهم ایجاد می‌کند.

## ۲- تأثیر فرهنگی و اجتماعی صنایع فرهنگی و خلاق

صنایع فرهنگی و خلاق در نقطه تلاقی پیشرفت اقتصادی و دگرگونی اجتماعی قرار دارند. این صنایع نقشی کلیدی در چند زمینه مهم، از جمله: افزایش تنوع فرهنگی، تقویت همبستگی اجتماعی، توانمندسازی جوامع از طریق خلاقیت و بیان هنری ایفا می‌کنند. مزایای اجتماعی و فرهنگی، شامل: ایجاد فضایی برای بیان هویت‌ها و روایت‌های فرهنگی متنوع و تسهیل درک عمیق‌تر از فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف از طریق ادبیات، سینما، موسیقی و هنر و افزایش انسجام اجتماعی، به ویژه در جوامع چندفرهنگی است. همچنین، این صنایع به گروه‌های به حاشیه رانده شده یا محروم امکان می‌دهند تا داستان‌های خود را روایت کنند و در سطح جهانی شنیده شوند. به این ترتیب، صنایع فرهنگی و خلاق نه تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کنند، بلکه نقشی حیاتی در ایجاد جوامعی متنوع‌تر، منسجم‌تر و فراگیرتر ایفا می‌نمایند.

## ۱-۲- صنایع خلاق و دیپلماسی فرهنگی

فرهنگ نقش بنیادین در شکل‌گیری قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی ایفا می‌کند. هر کشوری با بهره‌گیری از میراث فرهنگی منحصر به فرد خود، می‌تواند ارزش‌ها و دستاوردهای خود را به نمایش بگذارد و تصویر خود را در سطح جهان ارتقا ببخشد. در عصر ارتباطات و به هم پیوسته‌ی کنونی، دیپلماسی فرهنگی به عنوان پلی برای تقویت گفت‌وگو و درک متقابل میان ملت‌ها، اهمیت یافته است. دیپلماسی فرهنگی فراتر از یک ابزار ساده در سیاست خارجی و یک فرایند چندبعدی از سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی است. این مفهوم،

مجموعه‌ای از سیاست‌ها، ابتکارات و فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد که هدف آن پیشبرد اهداف ملی است. شیوه‌های اجرایی این طرح‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است و از طریق هدایت هوشمندانه جریان‌های فرهنگی و رسانه‌ای که متشکل از متون ایجاد شده در صنایع فرهنگی هستند، محقق می‌شود. به‌طور خاص، دیپلماسی فرهنگی بازیگران دولتی را در سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی درگیر می‌کند و از ابزارهای سیاست فرهنگی بهره می‌برد. دیپلماسی فرهنگی سه حوزه ملی را پوشش می‌دهد: هویت فرهنگی (اجتماعی)، قدرت نرم (سیاسی) و اقتصاد خلاق (اقتصادی). این سه شالوده اصلی سیاست‌های دیپلماسی فرهنگی را تشکیل می‌دهد.

## ❖ ۲-۱-۱- کره جنوبی چه اقداماتی انجام داده است؟

صنعت سرگرمی کره جنوبی به عنوان یکی از موفق‌ترین نمونه‌های قدرت نرم در دوران معاصر شناخته می‌شود. پدیده «هالیو» یا موج کره‌ای که از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد، به گسترش چشمگیر محبوبیت فرهنگ کره‌ای در سطح جهانی اشاره دارد. این اصطلاح اولین بار توسط روزنامه‌نگاران چینی برای توصیف رشد سریع محبوبیت فرهنگ و سرگرمی کره‌ای در چین ابداع شد. از آن زمان، موج کره‌ای از یک پدیده فرهنگ عامه به یک برند فرهنگی قدرتمند و نماد ملی کره جنوبی تکامل یافته است. دولت کره جنوبی از این پدیده به عنوان استراتژی فرهنگی برای جذب سرمایه خارجی و ترویج گردشگری بهره برده است.

بر اساس آمار فدراسیون بین‌المللی صنعت فونوگرافی<sup>۲</sup>، صنعت موسیقی کره پیشرفت چشمگیری داشته است. این کشور از رتبه نوزدهم در سال ۲۰۰۲ به جایگاه هفتم در سال ۲۰۲۲ ارتقا یافت و از کشورهایمانند کانادا، برزیل و استرالیا پیشی گرفت. پیشرفت سریع فناوری و گسترش رسانه‌های آنلاین، انتشار فرهنگ کره‌ای را تسهیل کرده است. پیشرفت فناوری و گسترش رسانه‌های آنلاین، انتشار فرهنگ کره‌ای را تسهیل کرده است. اینترنت امکان دسترسی به برنامه‌های تلویزیونی کره‌ای را در سراسر جهان فراهم آورده است؛ علاقه‌مندان می‌توانند درام‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های کره‌ای را با زیرنویس‌های مختلف به صورت رایگان یا با هزینه اندک تماشا کنند.

نظرسنجی سال ۲۰۱۹ سرویس فرهنگ و اطلاعات کره (KOCIS) نشان داد که ۷۶٪ درصد از خارجی‌ها دیدگاه مثبتی نسبت به کره دارند. پاسخ‌دهندگان، فرهنگ عامه کره‌ای مانند کی‌پاپ و فیلم‌ها را مهم‌ترین عامل این تصویر مثبت (۳۸٪ درصد) دانستند. پس از آن توسعه اقتصادی (۱۴٪ درصد)، میراث فرهنگی (۱۴ درصد) و محصولات و برندهای کره‌ای (۱۱٪ درصد) قرار داشتند. کی‌پاپ محبوب‌ترین کلمه کلیدی در تعریف تصویر ملی کره بود.

دولت کره جنوبی با ایجاد بستری مناسب، نه تنها به رشد کی‌پاپ، بلکه به گسترش کل فرهنگ این کشور یاری رساند. تأسیس رسمی وزارت فرهنگ، ورزش و گردشگری در سال ۲۰۰۸، گامی مهم در این راستا بود. همچنین، در پاسخ به تقاضای فزاینده برای محتوای کره‌ای در سطح داخلی و بین‌المللی، سازمان محتوای خلاق کره شکل گرفت. راهبردها و اقدامات دولتی تاکنون نتایج مثبتی در پیشرفت کی‌پاپ داشته است. دستاوردهای این سیاست‌ها را می‌توان در چهار حوزه اصلی مشاهده کرد: افزایش محبوبیت جهانی و درآمد

صادراتی، تقویت دیپلماسی فرهنگی، خلق فرصت‌های شغلی و بهبود جایگاه برند ملی کره جنوبی.

## ۲-۲-۲- برندسازی ملی از طریق توسعه صنایع فرهنگی و خلاق

در میان مطالعات مربوط به ارزش ذاتی و کاربردی هنر و فرهنگ، برخی محققان پیشنهاد کرده‌اند که نقش دولت در حوزه هنر و فرهنگ می‌تواند به شکل‌گیری تصویر یک کشور کمک کند. در سال‌های اخیر، توجه زیادی به مفهوم برندسازی ملی جلب شده است. ظهور مفهوم برند در سطح ملی از پیامدهای اقتصادی و سیاسی نشأت می‌گیرد. یک کشور با استراتژی‌های برندسازی موثر می‌تواند، روابط بین‌المللی خود را تقویت کند و چشم‌اندازهای اقتصادی خود را بهبود بخشد. در ادبیات این حوزه، نمونه‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه رویدادهای فرهنگی و هنری یک کشور بر تصویر آن در خارج از مرزهایش تأثیر می‌گذارد. این رویکرد نشان می‌دهد که هنر و فرهنگ نه تنها ارزش ذاتی دارند، بلکه می‌توانند به عنوان ابزاری قدرتمند برای ارتقای جایگاه بین‌المللی و توسعه اقتصادی یک کشور عمل کنند.

### ۲-۲-۱- امارات متحده عربی چه برنامه‌ای دارد؟

رویدادهای مهم اخیر در منطقه عربی، مانند جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، اکسپو ۲۰۲۰ و کنفرانس تغییر اقلیم سازمان ملل متحد ۲۰۲۳ (کوپ ۲۸) در دبی، با هدف برندسازی ملی برگزار می‌شوند. این استراتژی برای افزایش رقابت‌پذیری کشورها در جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران خارجی طراحی شده است. سیاست‌های فرهنگی نقشی کلیدی در شکل‌دهی تصویر و اعتبار مثبت یک کشور، چه در داخل و چه در خارج، ایفا می‌کنند. حمایت از صنایع خلاق مانند سینما، موزه‌ها و تئاتر می‌تواند با ترویج تصویری خاص از کشور، به شکل‌گیری هویت ملی کمک کند. امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۱ یک برنامه ۱۰ ساله برای تقویت صنایع فرهنگی و خلاق خود آغاز کرد. در سال ۲۰۲۲، این کشور در صدر کشورهای عربی از نظر رقابت‌پذیری قرار گرفت و در زمینه‌هایی مانند دانش، جذب نیروی کار ماهر خارجی، سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و استفاده از هوش مصنوعی امتیازات بالایی کسب کرد.

## ۳- تأثیر صنایع خلاق بر پایداری محیط زیستی

جهان امروز در مسیری ناپایدار قرار گرفته است. مصرف منابع توسط جمعیت جهانی از توان بازسازی زمین فراتر رفته، که این امر پایداری زندگی و معیشت ما را با چالش‌هایی چون تغییرات اقلیمی، کمبود آب، آلودگی و انباشت زباله مواجه کرده است. برای تضمین بقای نسل حاضر و آینده، کاهش چشمگیر ردپای اکولوژیکی و کربنی بشر ضروری است. گذار از اقتصاد خطی به اقتصاد دایره‌ای، پیش‌نیازی اساسی برای دستیابی به پایداری جهانی است. اقتصاد دایره‌ای به دنبال جداسازی رشد اقتصادی از مصرف منابع طبیعی و آسیب

به اکوسیستم‌هاست. این هدف از طریق استفاده کارآمدتر از منابع و ایجاد زیرساخت‌های بازیافت محقق می‌شود. این رویکرد، محرک نوآوری در استفاده مجدد از مواد، قطعات و محصولات و همچنین مدل‌های کسب‌وکار نوین است.

اقتصاد خلاق، مکمل این مفهوم جدید اقتصادی برای توسعه پایدار و نوآوری مقتصدانه است. صنایع فرهنگی و خلاق به دلیل پتانسیل‌شان در کمک به توسعه پایدار از طریق روش‌های نوآورانه، مدل‌های تجاری پایدار و ابتکارات سازگار با محیط زیست، اهمیت مضاعفی یافته‌اند. این تعهد به پایداری، علاوه بر پرداختن به مسائل زیست‌محیطی، مسیرهای جدیدی را برای خلاقیت و نوآوری می‌گشاید. رویکرد خلاقانه، فراتر از بازیافت و مدیریت پسماند است و بر طراحی بهینه محصولات، فرآیندها و خدمات تمرکز دارد. این به معنای استفاده مجدد، تعمیر، بازسازی یا بازیافت مواد در پایان عمر مفید آنهاست. الگوهای تولید خلاقانه و دایره‌ای نیازمند مهارت‌های جدید نیروی کار، همکاری بین ذینفعان در زنجیره تأمین و همچنین مقررات جدید در تجارت بین‌المللی، سیستم‌های توزیع و انتقال نوآوری و فناوری است. این رویکرد سیستمی به تغییر رفتار و الگوهای تولید، تقاضا برای فعالیت‌های دانش‌محور و نیروی کار خلاق را افزایش می‌دهد. پتانسیل بالا برای تغییر مثبت نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها می‌توانند به سمت تولید کالاها و خدمات سازگار با محیط زیست و اقلیم هدایت شوند، که این امر نویدبخش آینده‌ای پایدارتر است.

### ◀ ۳-۱- سبز کردن برنامه اروپای خلاق

اتحادیه اروپا مدت زیادی است که بر صنایع خلاق تمرکز دارد و برنامه‌های مهمی مانند، «برنامه اروپای خلاق» را با بودجه‌ی ۲/۴۴ میلیارد یورو برای دوره ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۷ راه‌اندازی کرده است. این برنامه که در دوره قبلی (۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰) ۱/۴۶ میلیارد یورو بودجه داشت، به دنبال ترویج فرهنگ، خلاقیت و رقابت‌پذیری در عین حفاظت و ترویج میراث فرهنگی غنی اروپا است و همکاری و تحرک فرامرزی را برای هنرمندان و متخصصان فرهنگی در داخل اتحادیه اروپا و فراتر از آن، تسهیل می‌کند. اتحادیه اروپا رویکرد نوینی در برنامه جدید خود اتخاذ کرده است. این رویکرد بر محور اولویت‌های فرابخشی استوار است که یکی از آن‌ها حرکت به سمت سبز شدن و پایداری زیست‌محیطی در تمامی فعالیت‌ها و پروژه‌ها است. در این راستا، اتحادیه اروپا مطالعه‌ای تحت عنوان «سبز کردن برنامه اروپای خلاق»، گام‌های لازم برای پایداری‌سازی این برنامه و همسویی آن با اهداف زیست‌محیطی اروپا را مشخص کرده است. این اقدام در راستای توافق سبز اروپا صورت گرفته که هدف آن دستیابی به خنثی اقلیمی<sup>۴</sup> (Climate neutral) تا سال ۲۰۵۰ است. اتحادیه اروپا سعی دارد تا بخش‌های فرهنگی و خلاق از گذار سبز عقب نمانند و در این راستا، برنامه اروپای خلاق را به سمت پایداری و سازگاری با محیط زیست هدایت می‌کند. این اقدام، نشان‌دهنده تعهد اتحادیه اروپا به توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست در تمامی بخش‌های اقتصادی و اجتماعی است.

۴ منظور از خنثی اقلیمی دستیابی به انتشار خالص صفر گازهای گلخانه‌ای از طریق متعادل کردن این انتشارات است به طوری که آنها برابر (یا کمتر از) انتشاراتی باشند که از طریق جذب طبیعی حذف می‌شوند.



فكر